

فعلا افزایش قیمت حامل‌های انرژی را فراموش کنید

آغاز فصل جدیدی برای اقتصاد ایران؟

با پایان تنش‌های اخیر، اقتصاد ایران در آستانه فصلی تازه‌ایستاده؛ فصلی به‌نام پساجنگ. آیا فرصت بازسازی را راه رسیده یا چالش‌های انباشته، همچنان سایه می‌اندازند؟ با عبور کشور از یک بحران امنیتی گسترده و بازگشت نسبی آرامش به فضای سیاسی و اجتماعی، حالا همه نگاه‌ها به وضعیت اقتصادی دوخته شده‌است؛ اقتصادی که سال‌هاست زیر فشار مژم‌نی از تورم، تحریم، کاهش ارزش پول ملی و اقت سرمایه‌گذاری نفس می‌کشد.

شرح در صفحه ۸

آتش‌بس یا حمله به

ایران؟

پشت پرده

سفر نتایهاو به

واشنگتن

صفحه ۱۰

وحید هاشمیان جانشین کار تال

شد

فروند هلی کوپتر

ایرانی روی نیمکت

پرسپولیس

صفحه ۱۵

همه مردم با هر فکر و سلیقه نیاز به

تربیبون دارند

لزوم

اولویت زندگی

مردم

صفحه ۲۰

خبر

عراقچی در اجلاس بریکس:

آنچه رژیم اسرائیل و به‌دنبال آن، ایالات متحده مرتکب شدند، نقض نقض بی‌سابقه صلح بین‌المللی بود

سید عباس عراقچی، وزیر خارجه که به نمایندگی از کشورمان در اجلاس سران بریکس در ریو دو ژانیروی برزیل شرکت کرده است، در سخنانی تأکید کرد، منشور ملل متحد و نظام حقوقی بین‌المللی برخاسته از آن باید حافظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی دولت‌ها در برابر امیال مخرب و اراده‌های خوسرانه‌ای باشند که در صورت مهار نشدن، می‌توانند صلح و امنیت جهانی را به خطر اندازند.

به گزارش ایسنا، بخشی از متن سخنان وزیر خارجه در «هفدهمین اجلاس سران بریکس در ریو دو ژانیرو، برزیل؛ صلح، امنیت و اصلاح حکمرانی جهانی» به شرح زیر است:

عالیجناب آقای لوئیژ ایناسیو دولا لاسیلا، رئیس‌جمهور محترم جمهوری فدراتیو برزیل، سران محترم کشورها، نخست‌وزیران و وزرای امور خارجه، خانم‌ها و آقایان، همه ما نمایندگان کشورهای هستیم که همزمان عضو سازمان ملل متحد هستند. ما همگی به اصول بنیادین منشور ملل متحد اذعان داریم؛ اصولی که بر اساس جلوگیری از جنگ و ممنوعیت توسل به زور، و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات برای «رهایی نسل‌های آینده از مصیبت جنگ» بنا شده‌اند. حفظ صلح و امنیت، غایت نهایی سازمان ملل متحد است. منشور ملل متحد و نظام حقوقی بین‌المللی برخاسته از آن باید حافظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی دولت‌ها در برابر امیال مخرب و اراده‌های خوسرانه‌ای باشند که در صورت مهار نشدن، می‌توانند صلح و امنیت جهانی را به خطر اندازند. بی‌تردید، صلح و امنیت نه‌تنها پیش‌نیاز توسعه فراگیر و پایدار برای همه ما هستند، بلکه شرط ضروری برای تحقق نظمی عادلانه‌تر، انسانی‌تر و امن‌تر در جهان به شمار می‌آیند. بریکس، که بر اصول تقویت چندجانبه‌گرایی، عدالت و همکاری استوار است و همواره از نظم حقوقی بین‌المللی مبتنی بر منشور ملل متحد حمایت کرده، در جایگاهی ممتاز قرار دارد تا در برابر تخلفات بی‌سابقه و نقض اصول بنیادین منشور ملل متحد، نقش اساسی و بی‌بدیل خود را ایفا نماید. ماایلم از اعضای محترم بریکس که با درک مسئولیت خفیر خود در قبال صلح و امنیت بین‌المللی، اقدامات تجاوزکارانه علیه کشور من از سوی دو رژیم دارنده سلاح هسته‌ای از تاریخ ۱۳ ژوئن (۲۳ خرداد) به این سورا محکوم کردند، صمیمانه‌باسبازگرای کنم.

آقای رئیس‌جمهور، همکاران عزیز،

در حالی که اینجا ایستاده‌ام، مردم بزرگ ایران سوگوار عزیزانی هستند که در اثر تجاوز نظامی ناموجه رژیم اسرائیل، که به‌مدت ۱۲ روز ادامه یافت و با حمایت، همراهی و نهایتاً مشارکت ایالات متحده صورت گرفت، جان خود را از دست دادند. از همگان می‌خواهم که عبق و قبیح این قانون‌گریزی و پیامدهای به‌شدت خطرناک تداوم بی‌کفهرمانی رژیم اسرائیل در اشغالگری، آپارتاید، نسل‌کشی و جنگ‌افروزی در منطقه ما را به‌درستی درک کنند. در ساعات اولیه روز جمعه مورخ ۱۳ ژوئن، تنها دو روز پیش از دور ششم مذاکرات ایران و آمریکا درباره موضوع هسته‌ای، رژیم اسرائیل حملات تروریستی و نظامی وحشیانه‌ای را علیه کشورم آغاز کرد. مناطق مسکونی و پایگاه‌های نظامی هدف قرار گرفته‌شند، فرماندهان و سربازان و نیز جمعی از اساتید دانشگاه و دانشمندان، به طرز بی‌رحانه‌ای ترور شدند، مردم عادی از جمله کودکان و زنان، قتل‌عام شدند، تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ما – که تحت نظارت شدید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دارند – مورد حمله قرار گرفته و زیرساخت‌های عمومی ما، از جمله چندین مرکز تولید سوخت، منفجر شدند. ورود بعدی ایالات متحده به این تجاوز، از طریق هدف قرار دادن تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران، هیچ تردیدی باقی نگذاشت که دولت آمریکا در جنگ تجاوزکارانه رژیم اسرائیل علیه ایران، به‌طور کامل همدست است. آقای رئیس‌جمهور، تجاوز رژیم رژیم اسرائیل به ایران، نقض صریح بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد و اقدامی تجاوزکارانه بود. طی این حملات غیرقانونی، بیش از ۶۰۰۰ نفر از مردم بی‌گناه کشته یا مجروح شدند و به زیرساخت‌ها، مناطق مسکونی و تأسیسات هسته‌ای ما آسیب‌های فراوانی وارد شد. اما از همه بدتر، این تجاوز ضربه‌ای مرگبار به دیپلماسی، حاکمیت قانون و رژیم عدم اشاعه (NPT) وارد ساخت. حملات آمریکا و رژیم اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ما، نقض فاحش معاهده عدم اشاعه (NPT) و قطعنامه ۲۲۳ شورای امنیت بود که برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را در سال ۲۰۱۵ به‌اتفاق آرا تأیید کرده است. باید یادآور شد که برنامه هسته‌ای ایران همواره کاملاً صلح‌آمیز و تحت شدیدترین نظارت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بوده‌است. ما مصمم هستیم جنایات جنی و جنایات علیه بشریت را که رژیم اسرائیل در تجاوز به کشور ما مرتکب شده، مستند سازی کنیم. رژیم اسرائیل و ایالات متحده باید به‌دلیل نقض حقوق بین‌الملل، از جمله حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، پاسخگو شوند.

آبرنگ

دوشنبه ۱۶ تیر ۱۴۰۴
۱۱ محرم ۱۴۴۷
۷ جولای ۲۰۲۵
سال پیست‌ویکم
شماره ۵۹۴۷
۱۲ صفحه
۱۰۰۰۰ تومان

روشنی انقلاب پا خنجرور در مناسبت شب عاشورا پیام اقتدار و آرامش مخیره کردید

بخوان به نام ناهی ایران

صفحه ۲



مداخله محدود اما قاطع، فرمول جدید آمریکا

دکترین جدید ترامپ در برابر ایران و روسیه چیست؟

ایالات متحده در مسیر انزواگرایی گام برمی‌دارد، کاملاً به چالش می‌کشد. برعکس، این تحرکات گویای آغاز ترسیم چارچوب یک سیاست خارجی و امنیتی جدید از سوی واشنگتن است؛ سیاستی که دامنه آن فراتر از مرزهای خاورمیانه کشیده شده است. در همین راستا، مایک پنس، معاون سابق رئیس‌جمهور، در سخنرانی خود در جمع جمهوری‌خواهان تلاش کرد قلابی روشن برای آنچه امروز «دکترین ترامپ» خوانده می‌شود، ترسیم کند: نخست باید منافع ملی آمریکا به‌روشنی تعریف شود. دوم آنکه، باید با تمام ظرفیت دیپلماسی برای حل‌وفصل بحران اقدام کرد. سوم، اگر تلاش‌های دیپلماتیک بی‌ثمر ماند، باید با قدرت نظامی قاطع و بدون درگیر شدن در جنگ‌های طولانی، بحران را مدیریت و هرچه سریع‌تر عقب‌نشینی کرد. اگرچه تفسیر مایک پنس از سیاست ترامپ در قبال ایران، دگرشده‌تر فراهم می‌کند. به نظر می‌رسد رویکرد دولت ترامپ به ایران، آغاز تولد یک دکترین تازه‌است: «تکیه بر مداخله محدود و هدفمند نظامی آمریکا برای پشتیبانی از متحدان آسیب‌پذیر، آن هم درست در لحظات حساس بحران‌های راهبردی». در عین حال، این سیاست بر مسئولیت‌پذیری بیشتر کشورهای نظیر اسرائیل تأکید دارد؛ کشورهایی که باید عمده بار دفاعی خود را خود به دوش بکشند. شکل‌گیری این رویکرد جدید در نشست ناتو در لاهه به‌خوبی نمود پیدا کرد؛ جایی که ترامپ، با اتکا به عملکرد خود در «پرونده ایران»، حمایت پررنگش از ناتو را آن هم در چارچوب افزایش چشمگیر بودجه دفاعی اعضا مورد تأکید قرار داد. برخلاف انتظار بسیاری، آمریکا پبانه‌ای را تأیید کرد که هم تهدید فزاینده روسیه علیه امنیت اروپا را به رسمیت می‌شناخت و هم حمایت بی‌قغه ناتو از اوکران را در مواجهه با تجاوز روسیه تضمین می‌کرد.

چهار نشانه مهم؛ چگونه بحران ایران مسیر ترامپ در جنگ اوکران را تغییر داد؟

چهار عامل کلیدی وجود دارد که نشان می‌دهد ورود ترامپ به بحران خاورمیانه می‌تواند مقدمه درگونی جدی در سیاست خارجی دولت او نسبت به جنگ روسیه و اوکران باشد. نخست، هیچ چیز به اندازه یک پیروزی قابل لمس، افکار عمومی و نخبگان سیاسی را قانع نمی‌کند. اقدام بی‌درنگ ترامپ در هدف قرار دادن تأسیسات هسته‌ای ایران و زمینه‌سازی برای

آتش‌بس، این پیام را ارسال کرد که تغییر، صرفاً با تکیه بر مذاکره ممکن نیست؛ بلکه مستلزم اعمال فشار و قدرت قاطع آمریکاست. دوم، این حمله جایگاه چهره‌های متقابل به انزواگرایی در دولت ترامپ را متزلزل ساخت؛ افرادی مانند ج‌دی ونس، معاون اول رئیس‌جمهور، پیت هگست، وزیر دفاع، و تولسی گابارد، رئیس دستگاه اطلاعات ملی که اکنون ناچارند خود را با سیاست خارجی فعال‌تر وفق دهند. علاوه بر این، ترامپ موفق شد انزواگرایان سرشناس چپ‌ها ماگ مانند مارجرئی تیلور گرین، تاکر کارلسن، استیو بنن و رند پال را به حاشیه براند؛ چهره‌هایی که با به کلی با حمایت از ناتو و پشتیبانی از اوکران مخالفت داشته‌اند یا دست‌کم رویکردی محتاط و حداقلی اتخاذ کرده‌اند.

از آن است که خطمشی نوظهور ترامپ به‌خوبی با دیدگاه رای‌دهندگان جمهوری‌خواه همخوانی دارد. اکثریت پایگاه رأی این حزب، با حضور آمریکا در عرصه جهانی مخالفتی ندارند و تهدیدات ناشی از چین و روسیه را جدی می‌انگازند. علاوه بر آن، بسیاری از جمهوری‌خواهان برای جسارت و اقتدار نظامی ارزش قائل‌اند و ایستادگی اوکران را تحسین می‌کنند. آنچه پایگاه هوادار ترامپ نمی‌پذیرد، ورود مستقیم نظامیان آمریکایی به خطوط مقدم جنگ است؛ آنها ترجیح می‌دهند متحدان آمریکا بار بیشتری از هزینه‌های دفاعی را متقبل شوند. در نهایت، ابتکارات دیپلماتیک استیو ویتکاف، فرستاده ویژه واشنگتن که عمدتاً مبتنی بر امتیازدهی و مذاکره با کرملین بود، عملاً به بن‌بست رسید. ویتکاف که پیش‌تر از پوتین دعایران‌فرزانه و هدایت سیاست‌های منطقه‌ای واشنگتن به سمت کاهش تنش با پیشتاد داده بود، نه‌تنها به پیبشرد صلح کمکی نکرد، بلکه موجب تشدید حملات روسیه به شهرهای اصلی اوکران شد. با وجود باز گذاشتن راه مذاکره از سوی ترامپ برای توافق با مسکو، بی‌اعتنایی پوتین به تلاش‌های صلح‌آمیز او، احتمال افزایش تنش میان آمریکا و روسیه را در آینده نزدیک تقویت خواهد کرد.

دکترین جدید ترامپ؛ فشار اقتصادی به جای جنگ مستقیم برای مهار روسیه

همان‌طور که در برخورد اخیر دونالد ترامپ با ایلان ماسک مشهود بود، ترامپ استعداد آن را دارد که به سرعت حتی

لایه‌گری منطقه‌ای؛ کلید تلطیف دیپلماسی ایران در تقابل با آمریکا و اسرائیل

قدرت‌های نوظهور در برزیل دور هم جمع شدند

فرصت‌های

ایران در

بریکس

صفحه ۱۱



محمدعلی وکیلی

سرمقاله



تسلیم نه، تدبیر آری!

بیش از ده روز از توقف تجاوز رژیم اسرائیل به ایران عزیز می‌گذرد. اما همچنان فضای عمومی تحت تأثیر و ملتهب اقدامات احتمالی است.

در این مدت بسیاری در چرایی و چگونگی تجاوز صورت گرفته و چه باید کرد، مطالب خوب و قابل تاملی را نوشتند. اما نمی‌دانم گوش شنوایی در این شرایط وجود دارد یاخیر؟ چند روزی است که ذهنم درگیر چه باید کرد است. در نظر داشتم نامه‌ای را خطاب به رئیس‌جمهور محترم به‌عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی و مسئول حسن اجرای قانون اساسی و دومین مقام رسمی نظام تهیه کنم و آنچه را برای برون رفت شرایط کنونی در ذهن دارم بنویسم و منتشر کنم ولی بنا به دلایلی آن را به روزهای آینده موکول کردم. محور نامه اینکه زمین بازی کنونی باید تغییر کند بازی در زمین کنونی فاقد بازدارندگی و اقدام تنبیهی است هیچکدام از کارت‌های موجود در زمین کنونی کارایی لازم را ندارند. باید هنر تغییر زمین بازی را داشت و این در وظیفه رئیس‌جمهور است. معتقدم کارت‌های داخلی و خارجی مهمی برای تغییر زمین بازی وجود دارد ولی در زمانش انشالله اشاره خواهم کرد .

اکنون نیم‌نگاهی به آرایش سیاسی پسا توقف جنگ می‌نذارم.

جنگ دوازده روزه باعث شکل گیری دو جبهه در بین ایرانیان شد .

جبهه اول «جبهه برای ایران» را تشکیل می‌داد. این جبهه از سروش تا گوگوش و از تاجزاده تا سوپرانقلابی‌ها و اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان را شامل می‌شود. فراگیری این جبهه باعث ناکامی جنگ و عامل مهم توقف آن شد. شکل گیری این جبهه موجب تغییر زمین بی‌اعتمادی به زمین همبستگی ملی گردید.

ادامه در صفحه ۱۰

علیه متحدان و نزدیک‌ترین شرکای خود موضع بگیرد. از همین منظر، تضاد آشکار میان امتیازدهی‌های بی‌نتیجه و سیاست‌های نرمش‌گونه در قبال پوتین، در برابر مواضع سرسختانه ترامپ علیه ایران، زمینه را برای اتخاذ رویکردی مقتدرانه‌تر در برابر روسیه فراهم می‌سازد. البته چنین تغییری الزاماً به معنای مداخله مستقیم نظامی آمریکا نخواهد بود، اما می‌تواند به تشدید فشارهای اقتصادی علیه مسکو و تقویت قابل توجه بنیه دفاعی و تهاجمی اوکران منجر شود؛ مسیر دوجانبه‌ای که در اجلاس اخیر ناتو نیز برجسته شده است.

روپایی‌ها طی ماه‌های اخیر سهم چشمگیری در تأمین امنیت خود ایفا کرده و با افزایش کمک‌های مالی به اوکران، تلاش کرده‌اند شکاف ناشی از کاهش حمایت‌های مالی آمریکا در دوره ترامپ را جبران کنند. با این حال، متوقف کردن ماشین جنگی پوتین نیازمند همکاری نزدیک‌تر با آمریکا است. اروپا همچنان برای خرید تجهیزات نظامی آمریکایی برای اوکران به چراج سبز واشنگتن نیاز دارد و تداوم تبادل اطلاعاتی با کی‌یف نیز باید تضمین شود؛ مواردی که نشانه‌های آن در مواضع نشست اخیر ناتو مشهود بود. مؤثرترین راه برای مهار پوتین، نمایش تعهد قاطعانه غرب به پشتیبانی درازمدت از اوکران است. تحقق این هدف، آن گونه که «دکترین ترامپ» بر اصل خودیاری تأکید می‌کند، به‌ویژه بر دوش کشورهای اروپایی است. بانک‌های اروپایی می‌تواند ۳۰۰ میلیارد دلار ذخایر ارزی بلوکه شده روسیه هستند؛ منابعی که آزادسازی آن‌ها از حمایت رهبران سیاسی و کارشناسان سرشناسی همچون لری سامرز، فیلیپ زلیکوف و رابرت زولیک برخوردار است. این ذخایر، معادل چندین سال کمک نظامی واشنگتن به اوکران است و می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در تقویت مقاومت اوکرانین در برابر موج جدید حملات روسیه به اهداف غیرنظامی ایفا کند. اندکی فشار از سوی ترامپ کافی است تا اروپا را وادار به کنار گذاشتن علل کند و راه را برای استفاده از این منابع باز کند؛ گامی که عملاً بار مالی جنگ را از شانه‌های آمریکا برمی‌دارد. تأمین هزینه دفاعی اوکران از محل دارایی‌های بلوکه‌شده روسیه، به‌ویژه برای خرید تسلیحات آمریکایی، نمونه‌ای برجسته از سیاست‌های به سبک ترامپ است؛ چیزی معادل همان شعار معروف: «مکزیک باید هزینه دیوار را بدهد.»

پوتین و روسیه به عنوان قدرتی که می‌تواند نفوذی هم‌زمان بر اسرائیل، آمریکا و اروپا داشته باشد، حیاتی است. کرملین می‌تواند به عنوان میانجی راهبردی، زمینه‌ساز گفت‌وگوهای غیرمستقیم و کاهش تنش‌های پرمخاطره باشد، به ویژه در شرایطی که جنگ مستقیم برای همه طرفه‌ها پیامدهای خطرناکی به همراه دارد. در نهایت، ترکیب این سه ضلع منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند «دیپلماسی چندجانبه‌ای» را شکل دهد که به طور غیرمستقیم فشارها بر ترامپ و دولت آمریکا را کاهش دهد و فضا را برای مذاکرات جدی‌تر و پایدارتر فراهم آورد. این راهبردی به ایران امکان می‌دهد بدون عقب‌نشینی از مواضع اصولی خود، از ظرفیت‌های منطقه‌ای برای حفظ امنیت ملی بهره‌برد. بدون شک، استفاده هوشمندانه از این ظرفیت‌ها، علاوه‌بر حفظ جایگاه بین‌المللی ایران، می‌تواند زمینه‌ساز ثبات و آرامش بیشتر در منطقه غرب آسیا باشد؛ جایی که منافع و امنیت جمعی ملت‌ها در گرو درک متقابل و تعامل سازنده است.